

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1399/03/12



موضوع: کتاب الطهارة/أحكام النفاس /جمع بندی درباره مساله اول از مسائل مربوط به مرأة نفساء

جمع بندی درباره مساله اول از مسائل مربوط به مرأة نفساء دربارهی مسئلهی شماره یک بحث کردیم و به نتایج رسیدیم. مروری اجمالی در حدّ جمع بندی داشته باشیم،

مسألة ۱ : ليس لأقل النفاس حد ، بل يمكن أن يكون مقدار لحظة بين العشرة ، ولو لم تر دمًا فليس لها نفاس أصلاً ، وكذا لو رآته بعد العشرة من الولادة ، وأكثر عشرة أيام ، وإن كان الأولى مراعاة الاحتياط بعدها أو بعد العادة إلى ثمانية عشر يوماً من الولادة ، واللييلة الأخيرة خارجة ، وأما اللييلة الأولى إن ولدت في الليل فهي جزء من النفاس وإن لم تكن محسوبة من العشرة ، ولو اتفقت الولادة في وسط النهار يلفق من اليوم الحادي عشر لا من ليلته ، وابتداء الحساب بعد تمامية الولادة وإن طالت ، لا من حين الشروع ، وإن كان إجراء الأحكام من حين الشروع إذا رأت الدم إلى تمام العشرة من حين تمام الولادة.^[1] سید فرمودند: ليس لأقل النفاس حد كه شرح داده شد اجماعاً و نصاً، بل يمكن أن يكون مقدار لحظة بين العشرة ، ولو لم تر دمًا فليس لها نفاس أصلاً. اگر مرأةای در حين ولادت فرض کنید كه دمى اصلاً رویت نکند بدون خونریزی ولادت صورت بگیرد فليس لها نفاس اصلاً؛ چون نفاس، عبارت است از دم خارج پس از ولادت، دمى كه نباشد سالبه منتفى به انتفاع موضوع هست و بحثی در آن نیست وكذا لو رآته بعد العشرة من الولادة ، این هم مثل اولی تقریباً منتها یک كمى در درجهی پایین تر نفاس به حساب نمى آید اگر مرأةای ولادت کرده تا ده روز چیزی

ندیده بعد از ده روز مقدار خونی ببیند این جزء نفاس نیست. نفاس باید از ولادت شروع بشود و از حداقل تا ده روز، اگر این خون را ببیند مراجعه می‌شود به عادت. و اگر مبتدعه بود به اوصاف، و اگر ذات العاده بود به عادت مراجعه بشود. و اکثر عشرة أيام، اکثر این مدت نفاس، ده روز است و ان کان لواولاً مراداً احتیاط... این را که بحث می‌کنیم هم جمع بندی می‌شود و هم اولاً. و احتیاط شکلش برای ما معلوم می‌شود. تا به اینجا که گفتیم اکثر ایام نفاس ده روز است بعد فرمودند که وإن کان الأولى مراعاة الاحتیاط بعدها أو بعد العادة إلى ثمانية عشر يوماً من الولادة؛ در روایات در نصوص، تعبیر مختلفی داریم که این تعبیر مختلف به طور کل در برابر طائفه‌ی اول از روایات قرار می‌گیرد که اعلام می‌کرد روایت شماره دو و سه و چهار و پنج، از نفاس باب 3 که آخرین روز نفاس یا اکثر مدّت نفاس، ده روز است و در برابر آن روایاتی بود که گفته شد مفاد آن روایات این است که هجده روز باشد و درباره‌ی این مدت هجده روزه بحث و تحقیقی که به عمل آمد این شد که به طور عمده محور یا مطلب اصلی که در آن طائفه از روایات وجود دارد قصه‌ی اسماء بنت عمیس هست و بعد از آن یک مناصبی داریم مرسل صدوق هست در دو مورد آمده است آن هم روایتی هست از حنان ابن سدید، این روایات را که می‌بینید هجده روز اعلام می‌کنند با تحلیل و با دقتی که در مدلول روایات به عمل می‌آید این نتیجه به دست می‌آید که این روایاتی که بدون ذکر اسم اسماء بنت عمیس هست هم ناظر به مدلول همان حکایت است. چون حکایت اسماء بنت عمیس که انما یک حکایت قطعی است این روایات چند روایت صریحاً به آن قصه اشاره می‌کند چهار تا روایت در این باب، و دو سه تا روایت دیگر که اشاره‌ای به آن تصریح ندارد باز هم استفاده می‌شود که منظور این روایات مخصوصاً در شکل مرسل که آمده رویّ عنه... تطبیق می‌کند که همان قصه‌ی اسماء بنت عمیس باشد. این جمع‌بندی برای این بود که دو یا سه روایت دیگر باز هم تعرض دارد در همین باب 3، مسئله‌ی هجده روز را عنایت کنید که تعرض این روایات هم در حقیقت نظر دارد به قصه‌ی اسماء بنت عمیس و داستان اسماء بنت عمیس را هم شرح دادیم و هم تحلیلاً گفتیم که دلالت بر حصر نمی‌کند و هم دو تا روایتی داشتیم که روایت شماره 6 و شماره 7 مرفوعه‌ی ابراهیم بود و روایت جوهری بود که این دو تا روایت، تصریح داشتند که این هجده روزی که آمده است سوال در این مورد بوده نه اینکه حدّ نفاس هجده روز باشد. سوال شده که الان هجده روز است که گذشته، چه کند. پیامبر فرمود که نفاس تمام شده برود غسل کند این دلالت بر این ندارد که انتهای وقت نفاس همین هجده روز باشد در ادامه روایات دیگری شماره 17، 13، 12 و 22 در همین باب چند روایت دیگری آمده که باز هم در نقطه‌ی مقابل قرار می‌گیرد یعنی اینها ده روز را مدت در نظر نمی‌گیرد. بلکه این روایات مدّت را چهل روز، پنجاه روز، و سی روز هم دارند با این دسته از روایات چکار کنیم؟ سرنوشت اینها چه می‌شود در جمع‌بندی الان برای شما اشاره کنم فقط یک روایت را از باب مثال برایتان بخوانم تا اینکه ما متوجه بشویم که روایت در این باب بدون آن هجده روز ایام دیگری هم دارد که با اینها چه معامله‌ای باید انجام بدهیم، روایت شماره‌ی شانزده، متن روایت: وعن المفید، عن أحمد بن محمد، عن أبيه، عن سعد بن عبد الله، عن أحمد ابن محمد، عن الحسن بن علي بن يقطين، عن أخيه الحسين، عن علي بن يقطين قال: سألت أبا الحسن الماضي عليه السلام عن النفساء وكم يجب عليها ترك الصلاة؟ قال: تدع الصلاة ما دامت ترى الدم العبيط إلى

ثلاثین یوما فإذا رق وكانت صفره اغتسلت وصلت إن شاء الله. [2] روایت علی ابن یقین هست در این روایت سندش که تقریباً قابل اعتماد هست سند آنچنان اشکالی ندارد. عن المفید عن احمد بن محمد که شیخ مفید هست، عن ابیه عن سعد ابن عبد الله اشعری، عن احمد ابن محمد که شیخ سعد ابن عبد الله است. عن حسن ابن علی ابن یقین، عن أخیه حسین حسن و حسین ابنا علی یقین هستند هم خود علی ابن یقین، دو برادر و یک پدر همه راوی هستند. خانوادگی راوی هستند. سألت أبا الحسن الماضي عليه السلام، که امام هادی است. عن النفساء، چه می‌شود، امام فرمود قال: تدع الصلاة ما دامت ترى الدم العبيط إلى ثلاثين يوما فإذا رق وكانت صفره اغتسلت وصلت إن شاء الله، این تا سی روز گفته است، چطور می‌توانیم قبول کنیم؟

روایت دیگری هم از خثعمی هست که ممکن است سندش قابل اعتبار باشد. متن روایت دیگر: وعنه، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن القاسم بن محمد، عن محمد ابن يحيى الخثعمي قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن النفساء فقال: كما كانت تكون مع ما مضى من أولادها وما جربت، قلت: فلم تلد فيما مضى، قال: بين الأربعين إلى الخمسين. أقول: يحتمل أن يكون مراده أن أكثر النفاس عشرة أيام لأنها ما بين الأربعين إلى الخمسين ويكون إطلاق العبارة لأجل التيقية. [3] در جواب سوال از امام صادق. عن محمد ابن يحيى الخثعمي قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن النفساء فقال: كما كانت تكون مع ما مضى من أولادها وما جربت، قلت: فلم تلد فيما مضى، قال: بين الأربعين إلى الخمسين. آقا فرموده است قال: بين الأربعين إلى الخمسين، این روایت هم بین اربعین و خمسين گفته است در همین باب. شهید ثانی، صاحب کتاب منتقى الجمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان هست، در جمع بندی می‌فرماید که معتمدی از این اخبار این است که در مورد ده روز باید بگوییم به افراد ذات العاده اختصاص داشته باشد اما اگر بعد از ده روز بود باید بگوییم که به روایات هجده روزه ذات العاده هم نبود تمسک بشود جمع بندی ایشان این بود. اما می‌فرماید که برای حمل این روایاتی که دلالت بر چهل روز و پنجاه روز دارد حمل بر تقيه جا دارد در یکی از این روایات که آقا امام رضا(ع) به مأمون می‌نویسد. متن روایت دیگر: وفي (عيون الأخبار) بإسناده عن الفضل بن شاذان، عن الرضا عليه السلام في كتابه إلى المأمون قال: والنفساء لا تقعد عن الصلاة أكثر من ثمانية عشر يوما فإن طهرت قبل ذلك صلت، وإن لم تطهر حتى تجاوز ثمانية عشر يوما اغتسلت وصلت وعملت بما تعمل المستحاضة. أقول: هذا لا تصريح فيه بحكم الثمانية عشر. [4] از امام رضا(عليه السلام)، که به مأمون می‌نویسد، که اگر مرأه‌ای در نفاس طاهر نشد تا هجده روز باید در حکم نفاس قرار داشته باشد این مجموعه را که الان به طور اجمال برای شما گفتم. جمع‌بندی؛ 1. پس از آن‌که ما درباره‌ی ده روز در حد اطمینان بلکه در حد علم ممکن است رسیده باشیم که ده روز انتهای مدت است با آن وجوهی که در درس دیروز گفتیم. آن وجوه این حقیقت را اعلام می‌کند با آن سه روایت 2، 3، 4، 5؛ که مدت نفاس ده روز باشد شهرت هم در حد بالا، و اجماع هم که گفته شد قرائن و شواهد هم گفته شد. بنابراین در استنباط احکام کافی است که ما اعتماد به آن دسته روایات بکنیم. شهرت و اجماع هست، و شواهد هست و تطبیق به حیض محتبس هست

و سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه هم حدود 5 صفحه بحث میکند و می‌فرماید که در این رابطه شهرت فتوائیه وجود دارد. این شهرت فتوائیه کمک می‌کند که حداکثر نفاس ده روز باشد بعد آن اشکال که خودشان دارند ذکر می‌کنند و جواب این است که مطلبی برای ما به دست می‌آید. می‌فرماید که شهرت فتوائیه که یک حجت شرعی نیست. گفتیم که هر دلیلی که کامل نباشد اما کاملاً از اعتبار ساقط نیست. شهرت فتوائیه یک اعتباری دارد اگر یک دلیل دیگری داشته باشیم این می‌شود مؤید. سیدنا می‌فرماید که شهرت فتوائیه بما هو شهرت فتوائیه اعتباری ندارد. اما اگر در جایی باشد که مسئله محل ابتلاء عموم هست یعنی قضیه‌ی مذهب و حکم شرعی عام البلوا وجود دارد آنجا اگر یک حکم مورد شهرت فتوائیه قرار بگیرد و حکم دیگری از سوی اصحاب نیامده باشد با عام البلوی بودن اینجا اطمینان حاصل می‌شود که اگر خلاف آن بود با توجه به عام البلوی بودن این حکم باید اعلام می‌شد الان شهرت فتوائیه با این خصوصیت می‌تواند اعتبار ثبت کند و باعث بشود که بگوییم حکم همان است که گفته شد اکثر ایام نفاس ده روز است. این فرمایش ایشان. مضافاً بر این، یک اصلی را هم ایشان دارند که من آن اصل را در بیان شیخ آورده بودم برای شما منتها با شکل اختصار سیدنا یک مقدار تفصیل می‌دهد. می‌فرماید این مطلب که اکثر مدّت نفاس ده روز باشد مطابق اصل هم هست، مثلاً عمومات احکام، انجام واجبات، این یک عموماتی است که در صدر جدول احکام هست صله صولو تمام. تمام این عمومات به قوت خودش باقی است یک استثنایی آمده است که در ایام نفاس، مکلفی که مرأه هست این واجبات را انجام ندهد استثنا آمده است ولی مخصص ما مردّد هست مخصص مردد هست بین اقل و اکثر، قاعده‌ی اصولی این است که اگر مخصص مردد بود بین اقل و اکثر، باید اخذ به اقل بشود که آن قدر متیقن است و بر مازاد برائت جاری می‌شود بنابراین اگر بار تکلیف داشت. اگر بار تکلیف نداشت که اصل عدم جاری می‌شود که اصل عدم را نسبت به کل تکلیف اگر جاری نکنیم نسبت به اثر خاص آن عنوان هم می‌توانیم جاری کنیم.^[5]

فرق است بین اصل عدم و برائت، برائت همیشه در مقام امتنان است و همیشه باید رفع تکلیف کند. اصل عدم هر چند با برائت تطبیق می‌کند ولی گاهی اصل عدم، عدم یک اثر خاص آن موضوع، عدم جواز مجامعت آن اثر خاصی است اصل عدم آن اثر را بر می‌دارد در مجموع شما این قسمت را بگیرید. اگر مخصص مردد شد بین اقل و اکثر، اخذ به قدر متیقن و اقل می‌شود اکثر دلیل ندارد یا مورد شک قرار می‌گیرد که احتیاج به دلیل اثبات دارد.

سید یزدی قدس الله نفسه الزکیه در متن می‌فرماید وإن كان الأولى مراعاة الاحتياط بعدها أو بعد العادة إلى ثمانية عشر يوماً من الولادة، با همه‌ی حرف‌هایی که گفتیم ادله را که کامل کردیم می‌گوید اولاً این است که احتیاط بشود. تا بعد از این ده روز یا بعد از عادتی که عادت ماهیانه‌اش ده روز بوده اگر عادت نداشته و نفاس بوده بعد از ده روز تا هجده روز، در صورتی که دم جریان دارد اگر دم قطع شده باشد که... دم و خون جریان دارد در این صورت باید اولاً این است که احتیاط بشود. 1. منظور از اولی و أحوط، اولی از حیث دلیل و أحوط از حیث عمل، واما اینجا سید می‌فرماید که اولی این است که احتیاط بشود. برای اینکه ادله‌ای که در مورد ثمانية عشر يوماً آمده است در حد مستفیضه است و در حد مستفیضه هم

هست که هیچی بعضی از اعظم و اصحاب هم آن را مورد تأیید قرار داده مثل شیخ صدوق، و آن روایاتی که سی روز و چهل روز و پنجاه روز داشت آن روایات معمولاً سبک و سیاقش سبک و سیاق تقیه‌ای است چهل و پنجاه با حکم ابناء عامه منطبق است و آن را تطبیق می‌کنیم. ولی این روایات هجده روز کار ما را مشکل می‌کند

سید الحکیم قدس الله نفسه الزکیه می‌فرماید پس از وجوهی که بود، می‌فرماید که معلوم شد برایتان که روایاتی که بر خلاف مشهور باشد این روایات مطرود است منظور این است که روایاتی که بر خلاف مشهور است معرض عنها می‌شود معرض عنها مساوی با مطرود است. [6]

در جمع‌بندی آن دسته از روایاتی که سی و چهل و پنجاه گفت من حیث العمل حمل بر تقیه هم که جا دارد مطرود می‌شود. در فحص اجتهادی و تحقیقی به این نتیجه می‌رسیم که روایاتی که مطابق تقیه هست روایات مطابق تقیه نمی‌شود که متعدد باشد احیاناً یک روایت اتفاقاً دو روایات، یک عده از روایات. مطابق تقیه باشد همچنین چیزی را در تحقیقاتمان رسیده ایم که وجود ندارد یعنی فحص اجتهادی به جایی رسیده است که یک دسته از روایات مطابق با تقیه نمی‌تواند باشد بنابراین این روایاتی که داشتیم که سی روز و چهل روز و پنجاه روز داشت یک عده است، جواب اول؛ خود آن روایات در حد ذات خودش قابل التزام نیست، برای اینکه در کل سندها اعتباری ندارد یکی دو روایت سند صحیح می‌توانیم اعلام بکنیم. 2. متن‌ها مختلف است متن واحدی نیست. سی روز، چهل روز، پنجاه روز، خودشان متضارب هستند پس از لحاظ مدلول هم آن روایات اعتبار ندارد. روایاتی که متضارب باشد طبیعتاً اعتباری نخواهد داشت. 3. مسلک ما در روایات این شد که تا جایی که امکان دارد ما در نصوصمان روایات را دقیقاً حمل بر تقیه نمی‌کنیم ولی یک معنایی دارد، نصوص اهل بیت هم مثل مشابهی که دارد. آن روایات که سی روز یا چهل روز یا پنجاه روز دارد باید یک معنایی برایشان درست کنیم. [7]

بنابراین توجیهی که در آن روایات بر می‌خوریم پس از دقت و تحلیل دو توجیه وجود دارد یکی را که شیخ انصاری قدس الله نفسه الزکیه می‌فرماید که روایاتی که آمده است نسبت به استمرار دم، آن هم اگر ذات العادت نباشد مشمول اطلاقات نمی‌شود. اطلاقات ادله که ده روز مدت نهایی نفاس هست و پس از آن دیگر نفاسی نیست چیزی نیست این اطلاقات شامل نمی‌شود و اما عمومات استحاضه می‌شود مورد استفاده قرار بگیرد با استفاده از عمومات استحاضه می‌گوییم اگر کسی مرأه‌ای جریان دم استمرار داشته باشد بعد از ده روز، ده روز دیگر را هم به عنوان طهر تلقی کند و ده روز سوم را در نظر بگیرد به عنوان دم حیض، بنابراین سی روز با این وضعیت درست می‌شود و چهل روز و پنجاه روزش هم که تردید کرده‌اند که چهل یا پنجاه درست در غالب این تخیل‌های اقل طهر تطبیق می‌کند. [8]

نتیجه، ده روز ثابت شد، نصوص دیگر مطرود است معرض عنها، و هجده روز را سید فرمود احتیاط در اینجا می‌شود خلاف احتیاط، اگر نفاس بگیرد احتیاطاً خلاف احتیاط است عبادات ترک می‌شود بنابراین احتیاط را اینجوری معنا می‌کنیم که احتیاط کند عمل مستحاضه را

انجام بدهد که عبادات ترک نشود و احتیاط هم صورت گرفته باشد و مشغولیت ذمه‌ای هم در کار نباشد.

سلامتی آقا امام زمان صلوات ختم کنید.

-
- [1] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج1، ص270.
- [2] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج2، ص615، أبواب النفاس. أن أكثر النفاس عشرة أيام وأنه يجب رجوع النفساء إلى عاداتها في الحيض أو النفاس والا- فإلى عادة نسائها، و يستحب لها الاستظهار كالحائض ثم تعمل عمل المستحاضة.. باب3، ح16، ط الإسلامية.
- [3] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج2، ص615، أبواب النفاس. باب أن أكثر النفاس عشرة أيام وأنه يجب رجوع النفساء إلى عاداتها في الحيض أو النفاس والا- فإلى عادة نسائها، و يستحب لها الاستظهار كالحائض ثم تعمل عمل المستحاضة، باب3، ح18، ط الإسلامية.
- [4] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج2، ص617، أبواب النفاس. أن أكثر النفاس عشرة أيام وأنه يجب رجوع النفساء إلى عاداتها في الحيض أو النفاس والا- فإلى عادة نسائها، و يستحب لها الاستظهار كالحائض ثم تعمل عمل المستحاضة.. باب3، ح24، ط الإسلامية.
- [5] التنقيح في شرح العروة الوثقى، الخوئي، السيد أبوالقاسم - الشيخ ميرزا علي الغروي، ج8، ص157..و158و159
- [6] مستمسك العروة الوثقى، الحكيم، السيد محسن، ج3، ص436.
- [7] مستمسك العروة الوثقى، الحكيم، السيد محسن، ج3، ص437..تا ص447
- [8] كتاب الطهارة، الشيخ مرتضى الأنصاري، ج4، ص153.